

رفراندم؛

برگی از اوراق خاطراتم!

قسمت پانزدهم

محمد رحیمی

متن نامه شاپور بختیار به آیت الله خمینی در پاریس

متن مزبور به تصویب شورای امنیت رسیده بود و مهندس بازرگان و دیگر اعضای شورای انقلاب هم در کل با آن مخالفتی نداشتند. علاوه بر شورای انقلاب، روحانیون مهاجر به پایتخت که در دانشگاه تهران متعصب بودند نیز مورد شور و مشورت اعضای شورای انقلاب قرار گرفته و آنان ضمن موافقت کلی با نامه، گفته بودند در پایان بیانیه به جای «کسب نظر...» حتماً باید ذکر شود «دربار» آئینده کشور و وضع دولت کسب تکلیف نمایم.» بهرحال، مهندس بازرگان موضوع را با آیت الله خمینی در میان می گذارد و او هم اصلاح عبارت علمای مهاجر به تهران را (که به جای کسب نظر، کسب تکلیف گفته شود) تأیید کرد.

متن نامه با اصلاحات در رادیو ایران

قرار می شود متن بیانیه بختیار، با اصلاحات موردنظر روحانیون مهاجر که به تأیید آیت الله خمینی هم رسیده بود همان شب توسط خود بختیار در رادیو و تلویزیون ایران خوانده شود. البته گفته می شود علیرغم اصرار آیت الله بهشتی بر نوشتن «کسب تکلیف» به جای «کسب نظر»، بختیار نمی پذیرد.

نقش مهندس بازرگان در سازش بختیار با امام

بازرگان نه تنها در نوشتن این نامه همکاری کرد، بلکه قرار شد بختیار را در دیدار با آیت الله خمینی در پاریس همراهی کند و در مذاکره حضور داشته باشد؛ اما نگران خانواده سفر بود که بختیار می گوید این جزئیات مهم نیست و ترتیب کارها را در همان جا می دهدیم و اگر لازم شد، بازرگان رودت از او با آیت الله دیدار مقدماتی را انجام دهد تا فضا برای مذاکره سرنوشت ساز و اصلی آماده شود. نگرانی برخی از این دیدار

چندان های بازرگان و بختیار برای سفر بسته می شود، اما... این دیدار برای برخی نگران کننده می آمد؛ زیرا احتمال رسیدن به توافق در صورت پذیرش بختیار با رهبری انقلاب چندان بالا بود که شرایط مطابق میل آنان پیش نرود. از این رو، گروهی در ایران و گروهی در فرانسه به مخالفت و تقابلاً معدهودی از شخصیت ها نیز به طرفداری برخاستند.

مخالفتان بزرگ توافق در ایران

عبارت بودند از آیت الله حسینعلی منتظری، آیت الله محمود طالقانی، کریم سنجابی، شیخ صادق خلخالی، داریوش فروهر و همسرش.

موافقان یا غیر مخالفان در تهران

علاوه بر دکتر غلامحسین صدیقی و مهندس مهدی بازرگان عبارت بودند از آیت الله بهشتی و آیت الله مطهری.

مخالفتان در پاریس

در پاریس نیز مخالف بزرگ این دیدار تاریخی و سرنوشت ساز، ابوالحسن بنی صدر بود که در مدت کوتاهی پس از این مخالفت به عنوان اولین رئیس جمهور ایران برگزیده شد. وزن مخالفان نزدیک به رهبر انقلاب بر موافقان مذاکره می چربید و رأی رهبر انقلاب مبنی بر دیدار بلاشرط با نخست وزیر برای حل مسائل کشور را تغییر دادند و استغای بختیار از مقام نخست وزیری را به عنوان شرط مذاکره قرار دادند.

ابوالحسن بنی صدر مخالف سرسخت توافق اولیه دیدار

با وجود پذیرش اولیه آیت الله برای مذاکره با نخست وزیر، گویا بنی صدر در شب آخر پیش از مذاکره (۷ بهمن ۱۳۵۷) نظرش را با گذاشتن شرط استعفا از نخست وزیری برای بختیار تغییر داد و آیت الله اعلام کرد تا بختیار استعفا ندهد او را نمی پذیرد. چنین استغایی، ملاقات و مذاکره را بلا موضوع می کرد، چون مذاکره به عنوان نخست وزیر برای طرفین

ارزش سیاسی و موضوعیت می یافت، در غیر این صورت مذاکره میان یک شخصیت بدون مقام سیاسی درخصوص آینده ایران که حاصلی نداشت. بختیار می نویسد: چه کسی کار را بر هم زده بود؟ این امتیاز را باید به بنی صدر داد که خود با صراحت اقرار کرد که در این کار دست داشته است! او بود که خمینی را متقاعد ساخت که نظرش را عوض کند و استدلالش هم چنین بود:

نظر بنی صدر درباره این ملاقات و پذیرش امام

اگر بختیار بیاید و تنها با آیت الله حرف بزند، بهرحال برنده اوست. یا خمینی پیشنهادات او را می پذیرد و ما همه چیز را از دست می دهیم یا نمی پذیرد، ولی این تصور را ایجاد می کند که امام حاضر شده است با نخست وزیر منتخب شاه کنار آید؛ بنابراین جلوه این گفت و گو باید گرفته شود (خاطرات بختیار)، بهرحال بنی صدر با نفوذی که داشت رأی امام را برگرداند و مانع این ملاقات گشت!

ملاقات آقای عباس امیر انتظام با شاپور بختیار

عباس امیر انتظام روایت می کند: در یکی از ملاقات ها در تاریخ ۷ بهمن ۱۳۵۷، شب هنگام به دیدار دکتر بختیار رفتم که مذاکرات قبلی را دنبال کنیم ایشان گفتند که حاضرند برای جلوگیری از خونریزی و به منظور ایجاد آرامش در کشور، از مقام خود کناره گیری نمایند، لذا متن استغفانه را نوشتند و به من دادند، آن را از طریق آقای آیت الله طالقانی به سه نفر از روحانیون که مأمور رسیدگی به آن شده بودند ارائه دادم. آقایان اصلاح کوچکی در متن اعمال نموده و آن را به من بازگرداندند تا به دست آقای بختیار رسانم و ایشان به خط خودشان متن اصلاح شده را بر روی کاغذ پیادرد.

نقش دکتر ابراهیم یزدی در این ماجرا

آقای امیر انتظام می گوید: سپس آقای مهندس بازرگان این موضوع را تلفظ به اطلاع آقای دکتر ابراهیم یزدی در پاریس رساندند تا ایشان آقای خمینی را متقاعد کنند که پذیرای آقای دکتر بختیار در پاریس باشند؛ بنابراین آقای بختیار می توانستند استغفانه خود را رسماً به آقای خمینی بدهند و متعاقب آن برگزیده شوند. آقایان روحانیون که در جریان این استغفا قرار گرفته بودند اما بی اقدام نمانده و بلافاصله از طریق آقای اشراقی داماد امام، در پاریس با آقای خمینی تماس گرفتند. در این مقاله تأکید شد که بایستی آقای بختیار اول در تهران از سمت خود استعفا دهد و پس از آن راهی پاریس گردد. این مطلب صبح روز بعد توسط آقای خمینی در یک مصاحبه رادیویی به طور رسمی اعلام گردید و طی آن آقای خمینی صریحاً اعلام کرد که پیش از استعفا پذیرای آقای بختیار نخواهند بود. از طرفی آقای بختیار که خود را آماده برای مذاکره بود و این موضوع را به طور رسمی اعلام نموده بود، از شنیدن این خبر بسیار ناراحت شد.

شک دکتر بختیار از آقای بازرگان و امیر انتظام در انتقال پیام

آقای امیر انتظام می گوید: ایشان (دکتر بختیار) بر این باور شدند که آقای بازرگان (دکتر) و شخص من در انتقال صحیح مطلب صداقت نداشته و این یک بازی سیاسی بوده. البته چند روزی طول کشید تا من ایشان را دومرتبه طی ملاقات های حضوری قانع کردم که این کار به هیچ وجه از سوی ما صورت نگرفته و از ایشان تقاضا مجدداً به منظور حفظ کشور و جلوگیری از خونریزی و هرج و مرج، استغفانه خود را مجدداً تنظیم نمایند. البته ایشان بر این نظر پافشاری می کردند که چون شاه، ارتش را مسئول حفظ دولت و پشتیبانی از نخست وزیری ایشان نموده است، در صورتی که

این استعفا انجام گیرد احتمال بروز واکنش شدیدتری از سوی ارتش خواهد بود و لذا اوضاع کشور وخیم تر خواهد شد. لذا من از ایشان تقاضا کردم در یک جلسه مشترک با آقای دکتر بختیار در پاریس باشند؛ بنابراین آقای بختیار می توانستند استغفانه خود را رسماً به آقای خمینی بدهند و متعاقب آن برگزیده شوند. آقایان روحانیون که در جریان این استغفا قرار گرفته بودند اما بی اقدام نمانده و بلافاصله از طریق آقای اشراقی داماد امام، در پاریس با آقای خمینی تماس گرفتند. در این مقاله تأکید شد که بایستی آقای بختیار اول در تهران از سمت خود استعفا دهد و پس از آن راهی پاریس گردد. این مطلب صبح روز بعد توسط آقای خمینی در یک مصاحبه رادیویی به طور رسمی اعلام گردید و طی آن آقای خمینی صریحاً اعلام کرد که پیش از استعفا پذیرای آقای بختیار نخواهند بود. از طرفی آقای بختیار که خود را آماده برای مذاکره بود و این موضوع را به طور رسمی اعلام نموده بود، از شنیدن این خبر بسیار ناراحت شد.

سابقه آقای عباس امیر انتظام

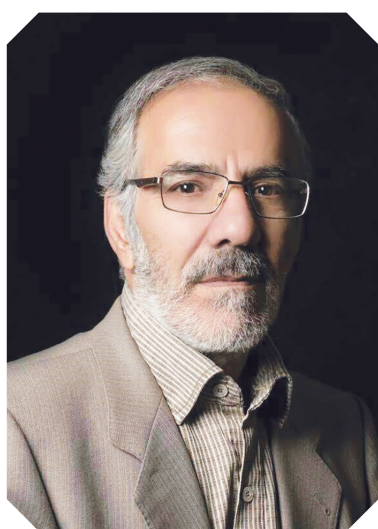
امیر انتظام در سال ۱۳۲۷ ضمن تحصیل در دبیرستان دارالفنون جذب جنبش ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر محمد مصدق شد. در سال ۱۳۳۲ نامه اعتراضیه نهضت مقاومت ملی ایران نسبت به کودتای ۲۸ مرداد را در تهران به نیکسون ریاست جمهور آمریکا داد و تا سال ۱۳۴۲ مهدی بازرگان را در فعالیت های سیاسی همراهی کرد. پس از آن مجدداً از سال ۱۳۴۹ تا روز دستگیری در کنار بازرگان به مبارزه پرداخت، از شخصیت های مبارز و بارز در پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ بود!

آشنایی امیر انتظام با مهندس بازرگان

امیر انتظام از هواداران محمد مصدق بود و پس از کودتای ۲۸ مرداد به نهضت مقاومت ملی پیوست و از اعضای فعال آن سازمان بود و با رهبران آن به ویژه مهدی بازرگان ارتباط نزدیک داشت. روابط او با بازرگان از دانشگاه تهران شروع شده بود، زمانی که بازرگان استاد و رئیس دانشکده فنی بود و امیر انتظام دانشجوی وی مورد احترام و اعتماد بازرگان بود و در جریان انقلاب ۱۳۵۷ ایران به عنوان نماینده بازرگان با شاپور بختیار مذاکره کرد و سرانجام بختیار را متقاعد کرد تا در دیداری با امام، از نخست وزیری استعفا دهد! ولی افرادی از جمله بنی صدر، آیت الله منتظری و شیخ صادق خلخالی مانع این کار شدند!

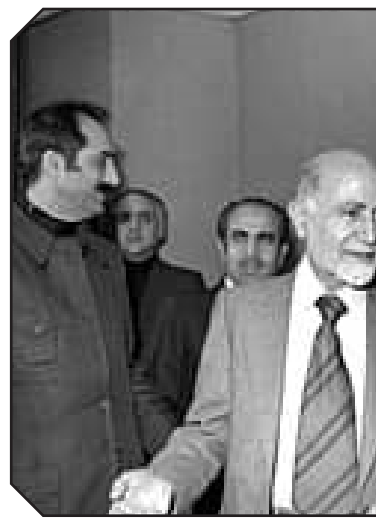
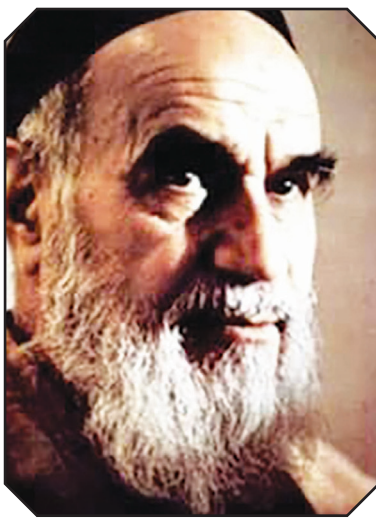
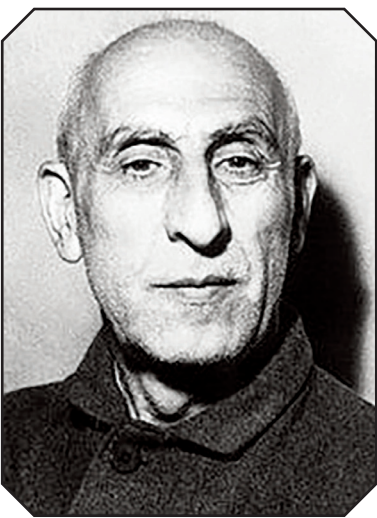
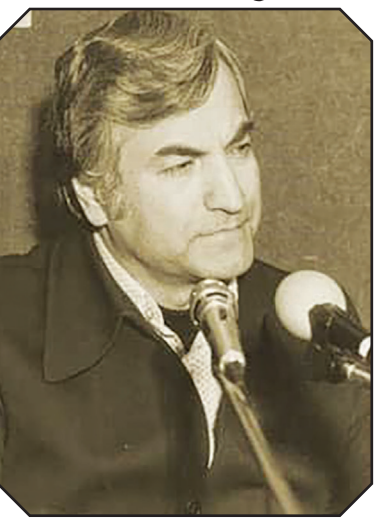
پیشینه شیخ صادق خلخالی

صادق خلخالی از خانواده ای آذربایجانی در گیوی از توابع شهرستان خلخال استان اردبیل



متولد شد. وی در هفده سالگی وارد قم شد و همدرس و هم مباحثه آقا مصطفی خمینی بود. وی درس خارج را نزد اساتیدی چون: حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی، حجت، عبدالجواد اصفهانی فراگرفت و نیز سیزده سال شاگرد آیت الله خمینی بود. خلخالی برای همکاری با فدائیان اسلام به مدت یک سال از مبارزات انقلابیون به رهبری روح الله خمینی در مبارزات وارد و چندین مرتبه دستگیر شد و در زندان های قم و تهران زندانی و مدت چهار سال به قفس با آب و هوا در انارک، بندرلنگه، لار، بانه، سرانجام و رودبار تبعید شد و تا اواخر سقوط حکومت پهلوی در بندرلنگه در تبعید بود. وی سپس به قم و از آنجا به نزد روح الله خمینی در پاریس رفت و دوازده روز پیش از ورود امام خمینی به ایران، بازگشت، وی از افراد مورد وثوق آقای خمینی بود!

ادامه دارد...



آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی